

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۷

علم‌آموزی و نقش آن در تکامل انسان از منظر امام صادق علیه السلام

محمد باوی پور*

چکیده

علم‌آموزی با تکامل انسان رابطه مستقیمی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان کمال انسان را از این طریق دانست به این صورت که در پرتو فراگیری آموزه‌های علمی، انسان راه صحیح و مطمئنی را برای رسیدن به کمال می‌یابد. در این مقاله تعریف علم و نیز چگونگی فراگیری و نقش علم در تکامل انسان، از منظر امام صادق علیه السلام بیان خواهد شد. واژه‌های کلیدی: علم‌آموزی، تکامل انسان، امام صادق علیه السلام.

* دانش پژوه سطح سه، رشته تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام و طلبه حوزه علمیه قم، mbavi2008@yahoo.com

اهمیت و ضرورت علم‌آموزی

نخستین مرحله در تکامل انسان، معرفت و شناخت است؛ زیرا شناخت مقدمه هر حرکت و عمل است. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله، نتیجه انجام کار بدون آگاهی لازم را چنین بیان نمودند: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ»^۱. «هر کس بدون علم و آگاهی کاری را انجام دهد، خراب‌کاری او از درست‌کاریش بیشتر است».

آن حضرت فرمودند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا»^۲. «کسی که بدون بینش و آگاهی عمل کند، چون کسی است که در بیراهه رود. او هر چه بیشتر بشتابد (از راه اصلی) دورتر می‌شود».

در نگاه امام صادق علیه السلام بدون معرفت و شناخت، هیچ عملی پذیرفته نیست. حسن صیقل گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِلَّا إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ»^۳. «خداوند هیچ عملی را جز با شناخت نپذیرد و شناختی جز به وسیله عمل وجود ندارد، هر که شناخت پیدا کند، شناخت، او را به عمل رهنمون کند و کسی که عمل نکند شناختی هم ندارد، هان به راستی اجزاء ایمان از یک دیگر به وجود می‌آیند».

به سبب اهمیت شناخت، امام صادق علیه السلام تأکید فراوانی بر جستجوی دانش در همه حال نموده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ»^۴.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۴.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

در نگاه امام صادق علیه السلام جستجوی دانش به عنوان یکی از فرائض الهی است که بر همه واجب می‌باشد: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ»^۱ حتی به خطر افتادن جان‌ها و رنج زیاد، مانع از کسب آن نمی‌شود: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجِ وَ حَوْضِ اللَّجِجِ»^۲ «اگر مردم می‌دانستند آن (سودی) را که در علم و دانش است هر آینه آن را طلب می‌نمودند و به دست می‌آوردند، اگر چه بر ریختن خون و فرو رفتن در آب‌های بسیار [دریا] باشد».

میزان ارزش انسان، به اندازه علم اوست. در این باره امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: ... وَ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَقَلُّهُمْ عِلْمًا...»^۳

همچنین فرمودند: «إِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْأَرْضِ لَتَصَلِّيَ عَلَيَّ طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْوَيْتَانِ فِي الْبُحْرِ»^۴ «تمام جنندگان زمین برای طالب علم، درود می‌فرستند حتی ماهیان در دریا». در برخی روایات امام صادق علیه السلام، انسان‌ها به دو دسته عالم و متعلم تقسیم شده‌اند و کسانی که در این دو گروه جای ندارند با عنوان «هَمَج»^۵ و «غُثَاء»^۶ معرفی شده‌اند و مورد مذمت قرار گرفته‌اند: «النَّاسُ اثْنَانِ: عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ وَ الْغُثَاءُ فِي النَّارِ»^۷ «مردم دو گروه هستند: دانشمند و دانش‌جو و دیگر مردم

۱. همان جا.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳. محمد بن علی بن بابویه صدوق، معانی الأخبار، ج ۲، ص ۴.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۳.

۵. الهمج عبارت است از مگس‌های کوچک چون پشه که بر صورت و چشمان گوسفند و الاغ فرار می‌گیرد و به طبقات پست و نادان نیز گفته می‌شود. محمد بن ابی بکر بن عبد القادر، الرازی، مختار الصحاح، ص ۳۵۷.

۶. کف، نقاله، آشغال و زباله‌ای که سیل با خود حمل می‌کند.

۷. محمد بن علی بن بابویه صدوق، الخصال ج ۱، ص ۳۹.



فرومایه اند و فرومایگان در آتش هستند». همچنین فرمودند: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ غُثَاءٌ»^۱ «مردم سه دسته هستند: عالم، متعلم و افراد بی مقدار و پست».

نقش علم آموزی در فرآیند تکامل

علم آموزی نقش اساسی در تکامل انسان دارد. امام صادق علیه السلام خواسته خود را از کسانی که توانایی کسب علم دارند چنین بیان فرموده‌اند: «لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطًا، فَإِنْ فَرَطَ ضَيِّعٌ، فَإِنْ ضَيِّعٌ أَثِمٌّ وَإِنْ أَثِمٌّ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ»^۲ «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آن که شب را در یکی از دو حال به روز آورد: یا عالم باشد یا جوینده علم. اگر چنین نکند تقصیر کرده‌است و چون تقصیر کند خویشتن تباه ساخته است و چون خویشتن تباه سازد گناه کرده است. چون گناهکار است در دوزخ جای گیرد، به خدای سوگند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت».

بر اساس مفهوم مخالف، کسی که در علم آموزی تفریط نکند، خود را تباه نساخته و با کسب علم، راه سعادت را می‌یابد و با عمل به آن به سعادت می‌رسد و این همان کمال است.

۱. کسب علم از عالم

اصل در علم آموزی، رابطه با عالم است. در برقراری رابطه با عالم، تکامل - نه رشد - معنا پیدا می‌کند. علامه مجلسی در بحار الأنوار^۳، باب چهارم: «مذاکره العلم و مجالسة العلماء و الحضور فی مجالس العلم و ذم مخالطة الجهال» روایاتی را آورده است که نشانگر اهمیت اخذ علم از استاد و عالم است. تعبیراتی از جمله «حُضُورَ مَجْلِسِ عَالِمٍ»، «مَشْهَدَ عَالِمٍ»، «صَاحِبِ الْعُلَمَاءِ وَ جَالِسَهُمْ وَ زُرُّهُمْ فِي بُيُوتِهِمْ»، «مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ»، «النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ» و از این دست تعبیر به این مطلب اشاره

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۸ - ۲۰۶.

می‌کنند. امام صادق علیه السلام در روایات خود که سند آنها به رسول الله صلی الله علیه و آله می‌رسد می‌فرماید:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ، شَرَفُ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ».^۱

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ، عِبَادَةٌ».^۲

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ، عِبَادَةٌ».^۳

در برخی احادیث، تشویق به حضور در مجالس علم شده است، هر چند که صرف حضور باشد و فرد حاضر فقط شنونده باشد و حرفی را هم به زبان نیاورد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ عِنْدَ انْصِرَافِ أَهْلِ مَجَالِسِ الذِّكْرِ وَ الْعِلْمِ إِلَى مَنَازِلِهِمْ: اكْتُبُوا ثَوَابَ مَا شَاهَدْتُمُوهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ. فَيَكْتُبُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ ثَوَابَ عَمَلِهِ وَ يَثْرُكُونَ بَعْضَ مَنْ حَضَرَ مَعَهُمْ فَلَا يَكْتُبُونَهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَا لَكُمْ لَمْ تَكْتُبُوا فَلَانَا، أَلَيْسَ كَانَ مَعَهُمْ وَ قَدْ شَهِدْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ إِنَّهُ لَمْ يَشْرِكْ مَعَهُمْ بِحَرْفٍ وَ لَا تَكَلَّمَ مَعَهُمْ بِكَلِمَةٍ. فَيَقُولُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ: أَلَيْسَ كَانَ جَلِيسُهُمْ؟ فَيَقُولُونَ بَلَى يَا رَبِّ. فَيَقُولُ: اكْتُبُوهُ مَعَهُمْ إِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ فَيَكْتُبُونَهُ مَعَهُمْ».^۴

«خداوند عزوجل هنگامی که اهل مجالس یاد خدا و علم آموزی، روانه خانه‌هایشان می‌شوند به ملائکه می‌فرماید: ثوابی که از اعمالشان دیدید بنویسید. ملائکه ثواب عمل بعضی را می‌نویسند و برای برخی نمی‌نویسند. خداوند به آنان می‌فرماید: به چه دلیل ثواب عمل برخی را که با آنان بودند و در مجلس آنان حضور داشتند ننوشتید؟ ملائکه گویند: ای پروردگار آنان حرفی را به زبان نیاوردند و صحبتی نکردند. خداوند بزرگ مرتبه به آنان می‌فرماید: آیا هم‌مشین

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۰۲.

آنان نبودند؟ ملائکه گویند: ای پروردگار حضور داشتند. خداوند به آنان می‌فرماید: ثواب عمل آنان را به همراه ثواب عمل دیگران بنویسید. زیرا آنان گروهی هستند که به برکت ایشان، هم‌نشینان آنان از اهل شقاوت نمی‌شوند. آن گاه ملائکه آنان را در زمره این گروه می‌نویسند».

امام صادق علیه السلام برای اینکه مردم را متوجه عالمان کند و آنان را به عالم شدن سوق دهد با تعبیری بلند از این گروه یاد می‌کرد. همانند:

- ۱- عالمان میراث بران انبیاء علیهم السلام هستند.^۱
- ۲- مرکب و خامه عالمان بر خون شهیدان ارجحیت دارد.^۲
- ۳- از هزار عابد و زاهد برترند.^۳
- ۴- همچون انبیاء و شهداء، بعنوان شفاعت کننده مردم در روز قیامت‌اند.^۴
- ۵- عالمان به عنوان نگهبانان دین مطرح هستند و فقدان آنان سبب خوشحالی ابلیس را فراهم می‌آورد: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ ابْلِيسَ مِنْ مَوْتِ فَقِيهٍ».^۵

مراجعه به افراد عالم جهت بهره‌گیری از آنان و پروا نکردن از آموختن در محضر ایشان، تاریکی‌های نادانی و سرگشتگی با وجود شمع آنان از میان می‌رود، عالمان همچون انبیاء علیهم السلام هستند که مردم به وسیله آنان راه درست را می‌پیمایند و نیازمندی به آنان دائمی است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الْأَرْضُ لَا تُشْرِكُ إِلَّا بِعَالِمٍ يَعْلَمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ ...».^۶

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۴

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۸

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۴۴



عالمان و وظیفه تعلیم را بر عهده دارند و تعلیمشان به عنوان زکات علم برای آنان تلقی می‌شود از این رو عالمان باید در جهت آن تلاش نمایند، این همان عهد و میثاقی است که خداوند متعال از آنان گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجَهَّالِ عَهْدًا يَطْلُبُ الْعِلْمَ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا يَبْذُلُ الْعِلْمَ لِلْجَهَّالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجَهْلِ»^۱.

۲. گفتگو و مذاکره علمی

گفتگوی علمی، در تکامل انسان نقش بسزایی ایفا می‌کند. امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ تَذَاكُرُ الْعُلَمَاءِ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا تَحْيَا عَلَيْهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ إِذَا هُمْ انْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرِي»^۲. «مذاکره علم میان بندگان من در صورتی که به حاکمیت من منتهی شود، باعث زنده شدن دل‌های مرده می‌شود». امام صادق علیه السلام مذاکره علمی را مایه صفای دل‌ها و زنده شدن امر و ولایت ائمه علیهم السلام دانسته اند: «تَلَاقُوا وَ تَحَادَثُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تُجَلَى الْقُلُوبُ الرَّائِسَةُ وَ بِالْحَدِيثِ إِحْيَاءُ أَمْرِنَا فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا»^۳. «با یکدیگر دیدار کنید و گفتگوی علمی بر محور احادیث برگزار کنید زیرا با حدیث قلب‌های زنگ زده جلا می‌یابد و حکومت ما زنده می‌شود پس خدا رحمت کند آنکه حکومت ما را زنده کند».

۳. پرسش‌گری

به سؤال کردن از عالم در احادیث امام صادق علیه السلام توجه شده است. سؤال کردن از راه‌های مبارزه با جهل و نادانی و سبب جلوگیری از هلاکت است و امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا يُهْلِكُ النَّاسَ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ»^۴. آن حضرت فرمودند: «الْعِلْمُ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰.



خَزَائِنُ وَالْمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ»^۱. علم و دانش به منزله انبار [کالاهای مختلف] است و کلیدهای آنها سؤال و پرسش است.

۴. کتابت علم

امام صادق علیه السلام به بیان یکی از شیوه‌های انتقال علم - کتابت دانسته‌ها - اشاره می‌فرماید که در مواقعی باید از این ابزار استفاده شود. آن حضرت به مفضل می‌فرماید: «اَكْتُبْ وَبُثَّ عَلَمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنَّ مِثَّ فَأُورِثُ كِتَابَكَ بَيْنِكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْتُسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ»^۲. «علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده و هنگامی که مرگت فرارسید کتاب‌های خود را به ارث برای فرزندان باقی گذار، زیرا زمانی پر آشوب خواهد آمد که مردم به چیزی جز کتاب نتوانند اُنس یابند».

۵. تفقه در دین

از عواملی که انسان را به سمت علم آموزی فرا می‌خواند و مایه تکامل اوست، مسئله تفقه و کسب بصیرت در دین است و این امر مهم بدون علم آموزی میسر نمی‌شود.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ)^۳ «و گمراهان از شاعران پیروی می‌کنند». فرمودند: «هُمُ قَوْمٌ تَعَلَّمُوا وَ تَفَقَّهُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا وَ أَضَلُّوا»^۴. «آنان گروهی‌اند که بدون علم، به تعلّم و تفقه پرداختند، پس گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند».

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردی است که امر امامت را شناخته و در خانه نشسته و با هیچ یک از برادران دینی‌اش آشنایی ندارد. حضرت (با

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۳. سوره شعراء، آیه ۲۲۴.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۸.



تعجب) فرمودند: «كَيْفَ يَتَفَقَّهُ هَذَا فِي دِينِهِ؟!»^۱ «این مرد چگونه دینش را می فهمد». این روایت به وضوح نشان می دهد که ارتباط جمعی مثبت و استفاده از خرد جمعی، لازمه شناخت درست از دین است و بر اساس آن انسان در مسیر تکامل خود قرار می گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ يَرْكُ لَهُ عَمَلًا».^۲ «پیوسته در دین خدا ژرف اندیشی کنید و همچون اعراب بادیه نشین، (انسان های ناآگاه و به دور از مراکز علمی و دینی) نباشید زیرا آنکه در دین خدا تفقه نکند خداوند روز قیامت به او توجه نکند و هیچ عملی از اعمال او را پیراسته و آراسته نمی کند».

امام صادق علیه السلام این هشدار را می دهند که اگر کسی این ویژگی - تفقه در دین - را نداشته باشد به سبب نیازمندی به علوم دیگران ممکن است به سمت مخالفین روی آورد و خود را بی آنکه بداند در گمراهی قرار دهد.

«لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَتَفَقَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا. يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا لَمْ يَسْتَعْنِ بِفَقْهِهِ احْتِجَاجٌ إِلَيْهِمْ فَإِذَا احْتِجَاجٌ إِلَيْهِمْ أَذْخَلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ».^۳ «از اصحاب ما کسی که تفقه در دین نداشته باشد هیچ خیری ندارد. ای بشیر اگر شخصی از شما شیعیان با ژرف اندیشی دینی خود بی نیاز نشود به مخالفین شما نیاز پیدا می کند و در این صورت او را در حالی که خود متوجه نیست به ضلالتشان وارد می کنند».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱.

۲. همان جا.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۰.



علم آموزی مبتنی بر رابطه با عالمان دینی، بهترین نوع علم آموزی و موجب تکامل انسان مسلمان می‌گردد که با به کار گیری ابزار و ایجاد شرایط^۱ محقق می‌شود.

اختصاص وقت ویژه به علم آموزی

شناخت به تدریج حاصل می‌شود از این رو بر تداوم در کسب آگاهی و شناخت تأکید شده است تا از این راه شخص بتواند به بالاترین قله‌های ممکن شناخت برسد. امام صادق علیه السلام در برخی روایات توصیه به اختصاص ساعاتی در روز و شب - در برخی روایات جمعه‌ها - برای کسب علم کرده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «كَانَ فِيمَا وَعَظَ لِقَمَانِ ابْنَهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ اجْعَلْ فِي أَيَّامِكَ وَ لِيَالِيكَ وَ سَاعَاتِكَ نَصِيباً لَكَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضْيِيعاً مِثْلَ تَزْكِهِ»^۲.
آن حضرت از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل فرمودند: «أَفْ لِرَجُلٍ^۳ لَا يَفْرُغُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَتَعَاهَدُهُ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ»^۴.



۱. در این رابطه می‌توان به مواردی چون اخذ علم از اهل آن، صبر در فراگیری علم، عمل به علم و از این دست موارد که در کتب آداب تعلیم و تعلم است اشاره نمود.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۹.
۳. در روایتی دیگر لفظ لِكُلِّ مُسْلِمٍ آمده است.
۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰.

چگونگی تکامل انسان از طریق علم آموزی

بخشی از روایات تحت عنوان باب العلم، به موضوع علم آموزی و اینکه چگونه می تواند انسان را در مسیر تکامل قرار دهد، پرداخته است.

منظور از علم در این روایات چیست؟ علمی که طلب آن، در همه حال واجب است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ»^۱ و مایه ارزشمندی: «أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ، أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا»^۲ و سعادت انسان است: «لَا يَتَّبِعِي لِمَنْ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا أَنْ يَعَدَّ سَعِيدًا»^۳ و به عنوان وزیر ایمان معرفی شده است: «نِعْمَ وَزِيرُ الْإِيمَانِ، الْعِلْمُ»^۴، علم دین است.^۵ این بیان در حدیثی از امام صادق علیه السلام این گونه آمده است: «الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ حَالٍ سَنِيٍّ وَ مُنْتَهَى كُلِّ مَنْزِلَةٍ رَفِيعَةٍ لِذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ (ص): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَيْ عِلْمِ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ»^۶. «علم اصل هر مقام ارزشمند است و حد نهایی هر جایگاه رفیع است. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است و مراد از این علم، علم پرهیزگاری و یقین است».

در رابطه با چگونگی نقش علم در تکامل انسان باید گفت که لازمه تکامل انسان، تکامل عقلی او است که در فرآیند علم آموزی حاصل می شود.^۷ عقل از راه علم آموزی می تواند به آگاهی های لازم درباره دین، به عنوان تکامل دهنده انسان - که پیوند ناگسستنی با عقل دارد - برسد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۲۴۷.

۴. همان، ج ۷۲، ص ۵۳.

۵. ن.ک: سید محمد کاظم قزوینی، موسوعه الامام الصادق (علیه السلام)، ج ۴، ص ۴۷.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۱.

۷. موارد دیگری در تکامل عقلی انسان، دخیل است و در اینجا به اساسی ترین این موارد - علم آموزی - اشاره شد.



امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ».^۱
 امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی بعد از بیان کارکردهای عقل به این مطلب اشاره می‌کند که عقل در صورتی می‌تواند کارایی داشته باشد که علم لازم را طلب کند تا بدان کارها راه یابد: «إِنَّ الْعَاقِلَ لِدَلَالَةِ عَقْلِهِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قِوَامَهُ وَزِينَتَهُ وَهُدَايَتَهُ عِلْمٌ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّهُ وَ عِلْمٌ أَنَّ لِحَالِقِهِ مَحَبَّةً وَ أَنَّ لَهُ كِرَاهِيَةً وَ أَنَّ لَهُ طَاعَةَ وَ أَنَّ لَهُ مَعْصِيَةً فَلَمْ يَجِدْ عَقْلَهُ يَدُلُّهُ عَلَى ذَلِكَ وَ عِلْمٌ أَنَّهُ لَا يَوْصَلُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعِلْمِ وَ طَلَبِهِ وَ أَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِذْ لَمْ يَصِبْ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ فَوَجَبَ عَلَى الْعَاقِلِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ الَّذِي لَا قِوَامَ لَهُ إِلَّا بِهِ».^۲

«عاقل، به راهنمایی عقل خویش که خدا آن را مایه استواری و زینت و هدایت او قرار داده است پی می‌برد که خدا حق است و پروردگار و پرورش دهنده او است و پی می‌برد که آفریدگار او برخی کارها را می‌پسندد و برخی را نمی‌پسندد و پی می‌برد که برخی کارها اطاعت از او است و برخی دیگر نافرمانی او است. می‌یابد که عقل وی به این مطالب جز از راه علم و آموختن نمی‌تواند برسد؛ همچنین در می‌یابد که اگر از راه علم به مقصود نرسد، از عقل به تنهایی سودی به دست نمی‌آورد».

بر اساس این روایت، امام صادق علیه السلام تصریح می‌نمایند که کارایی عقل، درک کلیات است، کلیاتی همچون وجود خدا، تربیت‌گری خدا و وجود امور محبوب و مکروه خداوند. درک چه چیزی محبوب خدا است و چه چیزی مکروه و ناپسند خدا می‌باشد، کار عقل نیست؛ به حکم خود عقل، دانش تفصیلی به این مصادیق لازم است و این دانش از راه تحصیل علوم شرعی حاصل می‌گردد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹.

همچنین فرمودند: «كثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ»^۱ و فلاح و رستگاری انسان را در گرو تعقل در سایه علم آموزی محقق می‌دانستند: «يَا مُفَضَّلُ لَا يَفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ وَلَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ»^۲. بر اساس این روایات امام صادق علیه السلام اعلام می‌نمایند تکامل جامعه از راه بالا بردن سطح تعقل بر اساس علم آموزی است و تهذیب نفس نیز از علم، حاصل می‌شود. پی بردن به اهمیت این مسئله از آنجا روشن می‌شود که دریاپیم تمامی مرارت‌ها و دشواری‌های انبیاء و ائمه معصومان علیهم السلام در نتیجه جهل مردم جامعه بوده است. امام صادق علیه السلام این مطلب را در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام چنین تبیین می‌نماید: «وَيَذَلُّ مَهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسَتَنْقَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الضَّلَالَةِ»^۳ «و خون پاکش را در راه تو به خاک ریخت تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی نجات دهد».

نتیجه این مبحث چنین شد که:

۱. تعقل مایه فلاح و رستگاری است.

۲. شکوفایی عقل در سایه کسب علم است.

باید دانش دین الهی و معارف آن را از اهل آن فرا گرفت و عقل را، برای شناخت حقیقت‌های علمی و عملی و سلوکی دین، با آن دانش نیرومند ساخت و با پیروی از آن دانش، راه تکامل را پیمود.



۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶.

۳. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۸۸.

رابطه میان علم و عقل

رابطه میان «علم» و «عقل» چگونه است؟. برخی از روایات می‌رسانند که میان «علم» و «عقل» رابطه متقابل برقرار است و عقل عامل تکامل انسانبر شمرده شده است و آن را به عنوان راهنمای انسان معرفی می‌کند.^۱

درباره رابطه عقل و تکامل انسان، روایات قابل توجه وجود دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْبَالْعَقْلُ يَكْمُلُ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ»^۲. «عقل مایه استواری انسان است و زیرکی و فهم و حفظ و علم، همه از آن، نشأت می‌گیرند و به وسیله آن، انسان تکامل می‌یابد و راهنما، دیده بان و کلید چاره جویی‌های انسان است».

امام صادق علیه السلام در رابطه با تأثیر علم بر عقل فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ»^۳ در این دو روایت به رابطه متقابل عقل و علم اشاره شده است و از آنجا که هر دو با هم در تکامل انسان نقش آفرینی می‌کنند، لزوم با هم بودن آن دو در کنار هم نمایان می‌شود؛ همچون دو بال می‌مانند که انسان برای پرواز به آنها نیاز دارد زیرا بسیارند عالمانی که به سبب جهل (در مقابل عقل) به هلاکت رسیده‌اند بنابراین علم در اسلام آن گاه ارزش مند است که به کمک عقل، هدایت را به همرا داشته باشد.

در روایات، گاه «جهل»، در مقابل «علم» قرار گرفته است و گاه در مقابل «عقل». جهل در مقابل علم، ناظر به علوم و معارفی است که انسان را با مبدأ و مقصد خود آشنا می‌کند که در واقع ضروری‌ترین معارف مورد نیاز انسان است. انسان باید بداند چگونه پدید آمده و هدف از آفرینش او چه بوده است؟ و چگونه به فلسفه آفرینش خود برسد؟ چه خطرهایی او را تهدید می‌کنند؟. جهل

۱. ن.ک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۰ - ۲۹، کتاب العقل و الجهل.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۵۹.

به این معارف، جامعه انسانی را در معرض دشوارترین مصائب و شرور قرار می‌دهد و از این رو عدم العلم برابر است با جهل و جهل در این جا جنبه عدمی دارد. آن جایی که جهل در مقابل عقل قرار می‌گیرد جهل، امری وجودی است نه عدمی و آثار و مقتضیاتی دارد^۱ و «جنود جهل» نامیده می‌شود و در برابر «جنود عقل» قرار دارد. در واقع همه زشتی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی در برابر همه زیبایی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی قرار می‌گیرد. هر چند اسلام با جهل در مقابل علم به شدت مبارزه می‌کند لیکن خطرناک‌ترین جهل از نظر اسلام، جهل در مقابل عقل است و تا این جهل ریشه کن نشود، ریشه کن شدن جهل در مقابل علم، برای جامعه سود اساسی در بر نخواهد داشت. اگر کسی از بزرگ‌ترین دانشمندان روی زمین شود، دانش او زمانی برایش سود دارد که سبب هدایت شود در غیر این صورت به تعبیر قرآن (و أضلّه الله علی علم) می‌شود.^۲ باید اشاره نمود که مکارم اخلاق و اعمال درست فرد، از عقل سرچشمه می‌گیرند و از این نظر عقل به عنوان تکامل دهنده انسان به شمار می‌رود و به سبب آن، بهشت و رضای خدای رحمان کسب می‌شود^۳ و اهمیت ویژه دارد.

ضوابط علم آموزی

موارد متعددی را می‌توان بر اساس روایات به عنوان ضوابط علم آموزی بر شمرد از جمله عمل به علم، تواضع و فروتنی نسبت به استاد، صبر در راه علم، عجب نداشتن، دوری از جدال و مرء و ... اخذ علم از صاحبان علم از مهمترین این ضوابط است.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی ج ۱، ص ۲۰ - ۲۳، ح ۱۴.

۲. جائیه/ ۲۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی ج ۱، ص ۱۱، ح ۳: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید عقل چیست؟ فرمودند: «چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت بدست آید».

هر امری زمانی نتیجه بخش خواهد بود که از چارچوب و ضوابط آن خارج نشود. به بیان دیگر هر امری در مجرای اصلی خودش تحقق می‌یابد و این همان سنت الهی است که بر تمامی امور حاکم است. موضوع علم و علم آموزی نیز از این قاعده مستثنی نیست یعنی برای طی راه تکامل در فرآیند علم آموزی، ناگزیر باید به ضوابط آن عمل شود.

در اینجا آنچه در متون روایی در خصوص اخذ علم از اهل آن^۱ آمده است بیان می‌شود:

لزوم مراجعه به عالم و اخذ علم از او که علم را در رسالت اصلی و درست آن - زدودن جهل و نه در جهت خواسته‌ها و تمایلات نفسانی - به کار می‌برد به این جهت است که انسان را به آنچه مطابق با مراد الهی است می‌رساند و مایه رشد و تکامل او را فراهم می‌کند از این رو ائمه اطهار علیهم‌السلام ضمن سفارش به علم آموزی، اخذ علم به شیوه درست را سفارش می‌کنند. فراگیری علم از اهل آن در روایات مورد توجه است، با پیروی از دانش اهل علم - امینان علم^۲ - راه تکامل پیموده می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام لزوم هوشیاری به این مهم را تذکر می‌دهند و تنها راه انحصاری تکامل انسان را، عنصر «آگاهی و شناخت کافی از گیرنده علم» معرفی می‌کنند: «مَنْ دَانَ اللَّهَ بِغَيْرِ سَمَاعٍ مِنْ عَالِمٍ صَادِقٍ أَلَزَمَهُ اللَّهُ التَّيْبَةَ إِلَى الْفَنَاءِ وَمَنْ ادَّعَى سَمَاعًا مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَذَلِكَ الْبَابُ هُوَ الْأَمِينُ الْمَأْمُونُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ الْمَكْنُونِ».^۳ [سنت الهی چنین است که] هر کس به خداوند به غیر از شنیدن از عالمی راستگو ایمان آورد، خداوند تا پایان عمر او را دچار سرگردانی

۱. ن.ک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۸۱، باب من يجوز أخذ العلم منه و من لا يجوز.

۲. «الْعُلَمَاءُ أَمَنَاءُ»: محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۳۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۵.

و حیرت در دین می‌کند. کسی که بگوید از غیر آن دری که خداوند آن را برای مردم گشوده است گوش به سخنی داده است، پس او مشرک است و آن دری گشوده شده از جانب خداوند، دری امن و مطمئن بر سر نهفته الهی است».

حضرت در ذم تقلید و نهی از متابعت بی چون و چرا از صاحب هر حرف و لزوم تمسک به کتاب و سنت و جواز رجوع به شایستگان فرمودند: «مَنْ دَخَلَ فِي هَذَا الدِّينِ بِالرَّجَالِ أَخْرَجَهُ مِنْهُ الرَّجَالُ كَمَا أُدْخِلُوهُ فِيهِ وَمَنْ دَخَلَ فِيهِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يُزُولَ»^۱. «کسی که به وسیله گفتار مردم به دین اسلام درآید، همانطور که آنان او را در آن دین در آورده‌اند، او را از آن دین بیرون می‌برند و کسی که به وسیله کتاب و سنت به آن دین در آمده، کوه‌ها زائل و نابود شود پیش از آنکه دینداری او زائل شود». از این روایت این نکته دریافت می‌شود که ثبات و پایداری در ایمان، در گرو دریافت درست و صحیح علم از اهل آن است. در هر روزگاری عده‌ای سوء استفاده گر، برای نیل به اهداف خود همواره با وارد شدن از این راه ضربه‌ای بس عظیم بر تفکر درست زده‌اند که نمونه‌های فراوان آن در هر عصر وجود دارد، به عنوان نمونه می‌توان به فرقه وهابیت اشاره کرد که به نوعی در اثر عقاید ابن تیمیه، شکل گرفت و در دوره‌های بعد آثار مخرب این تفکرات ناصواب توسط دیگران ادامه یافت. در واقع می‌توان گفت یک «اندیشه نادرست» که از سوی ناآشنایان به قرآن و سنت صحیح نبوی و علوی تزریق می‌شود نه تنها شخصیت‌هایی چون محمد بن عبدالوهاب را شکل می‌دهد بلکه عده‌ای با لباس دین و پیشانی پینه بسته را به انحراف می‌کشاند.

بیان ویژگی‌های عالمان حقیقی از سوی امام صادق علیه السلام، تلاشی دیگر در این زمینه بود. حضرت در حدیثی چنین می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا

۱. همان جا.



بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ».^۱ «هر کس از فقیهان که نفس خود را پاس دارد و دین خود را حفظ کند و به مخالفت با هواهای خویش برخیزد و فرمان خدای را اطاعت کند، بر عوام است که از او تقلید کنند. این چنین کسی تنها برخی از فقیهان شیعه و نه همه آنان می باشد.»

مسئله مهم دیگر در این رابطه، سر برآوردن عرفان‌های کاذب و در حال گسترش است. صاحبان اینگونه عرفان‌ها به جهت محدودیت در شناخت، در صدد بیان مطالبی هستند که به تعبیر قرآن کریم (وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ)^۲ است.

۱۰۰

امام صادق علیه السلام در خصوص آیه (اتَّخَذُوا أَوْلِيَاءَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ أَوْلِيَاءًا مِّن دُونِ اللَّهِ).^۳ «اینان دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند». می فرمایند: «أَمَّا وَاللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَىٰ عِبَادَةِ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ دَعَوْهُمْ مَا أَجَابُوهُمْ وَكَانُوا أَحْلُوا لَهُمْ حَرَامًا وَحَرَمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ».^۴ «به خدا که عالمان یهود آن مردم را به پرستش خود نخواندند و اگر به پرستش خود می خواندند مردم پذیرا نمی شدند، بلکه آنان حرام را بر ایشان حلال و حلال را بر ایشان حرام کردند؛ این بود که آن مردم نادانسته، حیران و راهبان را پرستیدند. (و حکم غیر خدا را اطاعت کردند)». این حدیث سازنده، تصریح می نماید که تبعیت و پیروی از هر قانونی، به منزله پرستش آن است. بنابراین هر کس از قوانین غیر الهی پیروی کند، چنان است که غیر خدا را پرستیده و در برابر غیر خدا سر فرود آورده است و این شرک است، عالمان دینی اگر حکمی غیر از حکم خدا را بگویند داخل در همین

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. بقره/ ۱۰۲.

۳. توبه/ ۳۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳.

مقوله است.^۱ از این رو برخی از این عرفا که ادعای قرب و کمال طلبی دارند و آن را مستمسکی برای پایه نهادن بدعت‌های خود قرار داده‌اند و سعی در جهت به اصطلاح اعتلای روحی! پیروان خود دارند، عقایدی را ترویج می‌کنند که نتایج زیانباری را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند؛ آموزه‌هایی چون عزلت‌گزینی، رهبانیت، صوفی‌گری و بسیاری از عقایدی که فرد را در انزوا قرار می‌دهند ریشه در عرفان کاذب دارند و در نتیجه سرسپردگی به گفته‌های کسانی است که به هیچ عنوان، شایستگی فراگیری علم از آنان وجود ندارد.

۱۰۱

آموزه‌های اسلامی با ارائه راهکارهای مناسب در جهت تکامل حقیقی انسان، همواره سعی در براندازی عقاید و بدعت‌های اینگونه افراد دارد تا از این رهگذر، مردم به وسیله هوشیاری و دانش اندوزی و تفهیم در دام اینگونه افراد نیافتند و با پیروی از آنان موجب هدم اسلام نشوند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ مَشَى إِلَى صَاحِبِ بَدْعَةٍ فَوَقَّرَهُ فَقَدْ مَشَى فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ».^۲ «کسی که به سوی صاحب بدعت و آئین نو برود و او را تعظیم نماید و بزرگ شمارد، در راه ویران نمودن اسلام گام برداشته است.»

۱. محمدرضا حکیمی، الحیاه، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۴.

نتیجه گیری

با توجه به هدف ترسیم شده از سوی خالق انسان - تکامل - باید برای رسیدن به هدف از سنت و سبکی تبعیت نمود که خالق برای بشر قرار داده است و آن جز راه ثقلین نیست و دسترسی به این دو گوهر حاصل نمی‌شود جز با رنج شیرین علم آموزی آن هم به شیوه درست و اخذ آن از عالمان ربانی برای تحقق هدف ترسیم شده از طرف خداوند؛ زیرا در فرآیند چنین علم آموزی عقل شکوفا می‌شود و تکامل انسان را فراهم می‌سازد.

فهرست منابع

۱. حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاء، ترجمه احمد آرام، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶ ش.
۲. رازی، محمد بن ابی بکر بن عبد القادر، مختار الصحاح، ضبطه و صححه احمد شمس الدین، بیروت لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۳ ش.
۴. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، الخصال، صححه و علق علیه: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۵. صدوق، محمد بن علی بن الحسین قمی، معانی الأخبار، مترجم عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
۶. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۷. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهدد، بیروت لبنان: مؤسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ ق.
۸. قزوینی، السید محمد کاظم، موسوعه الامام الصادق علیه السلام، قم: انباء المرحوم القزوینی، ۱۴۲۰ ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الأصول من الکافی، قدم له و علق علیه علی اکبر الغفاری، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت لبنان: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

